



(٣٠٩) - (٣٤٢)

العدد التاسع

نظرة على أسلوب وفكر "سيد حسن حسيني" من مجموعة "في تناغم مع حلق إسماعيل"

ا.م.د. حسين سليمي

جامعة الخليج الفارسي / بوشهر

hsalimi@pgu.ac.ir

الملخص:

إن التأمل والبحث في مجال الشعر وشعراء الاستدامة الأدب وشرح الأبعاد المختلفة للدفاع المقدس باستخدام لغة الفن وخاصة الأدب والشعر ضرورة لا يمكن إنكارها للأسف حتى يومنا هذا بما يليق بهذا الحدث العظيم والشعراء هذا هو حركة أدبية عظيمة ، لم يأخذها الكتاب بعين الاعتبار بجدية. الأعمال التي ابتكرها شعراء وكتاب الاستدامة والدفاع المقدس أثناء الحرب وبعدها ليست صغيرة ، والشعراء والفنانين الذين كتبوا بأساليب خاصة في هذا المجال ليسوا قليلين. نقد أعمال الشعراء والكتاب لهذه الحركة الأدبية هو في حد ذاته أحد الضرورات التي يمكن أن يكون لتجاهلها عواقب لا يمكن إصلاحها على أجيال الثورة اليوم وغدا. لذلك من الضروري أن يكشف الكتاب عن الطبقات الخارجية والداخلية لهذه الأعمال للقراء من خلال تحليل محتوى وبنية أعمال شعراء أدب الاستقرار والدفاع المقدس ، ومراعاة مناهج النقد والأدب. الأساليب الأسلوبية واكتشاف أفكار ومشاعر وأرواح ومشاعر مبدعيها. يظهر سجل "السيد حسن حسيني" كأحد الشعراء والأدباء البارزين والمبدعين في أدب الاستقرار والدفاع المقدس ، أنه كان قادراً أو كان بإمكانه أن يخلق نقطة تحول في شعر عصرنا من خلال خلق الأعمال. في أي فترة. من بين أبرز هذه الأعمال ميله الجديد إلى الرباعيات ، "مجموعة سبارو وغابرييل" ، "أضواء نوروز" ، إلخ. حاولنا في هذا البحث أن نأخذ في الاعتبار مناهج النقد الأدبي والأساليب الأسلوبية ، وقصائد هذا الشاعر مبنية على مجموعة "متناغم مع حلق إسماعيل" كأحد أنجح الأعمال المنشورة في مجال شعر الحرب ودعونا نتفحص الدفاع المقدس على ثلاثة مستويات: لغوي ومضمون وأدبي ، ونتفحص سماته الأسلوبية وظهوره. تم إجراء هذا البحث بطريقة المكتبة.

الكلمات المفتاحية: سيد حسن حسيني ، إحدائيات الأسلوب ، الخطابة ، شعر الحرب والدفاع المقدس ، "في انسجام مع حلق إسماعيل".



A look at the style and thought of "Seyyed Hassan Hosseini" based on the collection "In tune with Ismail's throat"

Dr. Hossein Salimi

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University
hsalimi @ pgu.ac.ir

Abstract:

Contemplation and research in the field of poetry and poets of sustainability literature and explaining the various dimensions of sacred defense using the language of art, especially literature and poetry, is an undeniable necessity that unfortunately to this day as befits this great event and poets This is a great literary movement, it has not been seriously considered by the writers. The works created by poets and writers of Sustainability and Sacred Defense, both during and after the war, are not small, and the poets and artists who wrote with special methods in this field. They are not few. Criticism of the works of poets and writers of this literary movement is itself one of the necessities that ignoring it can have irreparable consequences for today's and tomorrow's generations of the revolution . Therefore, it is necessary for the writers to reveal the outer and inner layers of these works to the readers by analyzing the content and structure of the works of the poets of the literature of stability and sacred defense, and considering the approaches of literary criticism and stylistic methods. And discover the thoughts, emotions, spirits and feelings of their creators.

The record of "Sayyid Hassan Hosseini" as one of the leading poets and writers, prominent and innovative in the literature of stability and sacred defense, shows that he was able or could have created a turning point in the poetry of our time by creating works in any period. His new tendency to quatrains, "Sparrow and Gabriel Collection", "Nowruz Haykarehs", etc. are among the most prominent of these works. In this research, we have tried to take into account the approaches of literary criticism and stylistic methods, the poems of this poet based on the collection "In tune with the throat of Ismail" as one of the most successful works published in the field of war poetry and



Let us examine the sacred defense at three levels: linguistic, content, and literary, and examine its stylistic features and salience. This research has been done by library method.

Keywords: Seyyed Hassan Hosseini, coordinates of style, rhetoric, poetry of war and holy defense, "in unison with the throat of Ismai

نگاهی به سبک و اندیشه «سید حسن حسینی» با تکیه بر مجموعه
«هم صدا با حلق اسماعیل»

حسین سلیمی*

دانشگاه خلیج فارس بوشهر

چکیده:

تأمل و تحقیق در حوزه شعر و شاعران ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گوناگون دفاع مقدس با بهره گیری از زبان گویای هنر، به خصوص ادبیات و شعر، از ضرورت های انکارناپذیری است که متأسفانه تا به امروز آن گونه که در خور این رویداد عظیم و شاعران بزرگ این جریان ادبی است، مورد توجه جدی اصحاب قلم قرار نگرفته است. آثاری که توسط شاعران و نویسندگان پایداری و دفاع مقدس، چه در زمان وقوع حادثه جنگ و چه بعد از آن خلق شده است، حجم اندکی نیست و شاعران و هنرمندانی نیز که با شیوه ها و روش های خاص و ویژه در این عرصه قلم فرسایی کرده اند، کم نیستند. نقد و بررسی آثار شاعران و نویسندگان این جریان ادبی، خود، یکی از ضرورت هایی است که بی اعتنایی به آن میتواند تبعات جبران ناپذیری را برای نسل های امروز و فردای انقلاب به همراه داشته باشد.

از این رو ضرورت دارد تا اصحاب قلم با تحلیل و بررسی محتوایی و ساختاری آثار شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس، و با عنایت به رویکردهای نقد ادبی و توجه به روش های سبک شناسی، لایه های بیرونی و درونی این آثار را برای خوانندگان آشکار ساخته و اندیشه ها، عواطف، روحيات و احساسات پدیدآورندگان آنها را کشف کنند. کارنامه «سید حسن حسینی» به عنوان یکی از شاعران و نویسندگان پیشرو، مطرح و نوآور ادبیات پایداری و دفاع مقدس، نشان میدهد که وی با خلق آثاری،



توانسته یا میتوانسته است در هر دوره، نقطه عطفی در شعر روزگار ما ایجاد کند. گرایش نوین او به رباعی، «مجموعه گنجشک و جبرئیل»، «هایکواره های نوروزی» و... از بارزترین این دست آثار است.

در این پژوهش، کوشیده ایم تا با عنایت به رویکرد های نقد ادبی و شیوه های سبک شناسی، سروده های این شاعر را با تکیه بر مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» به عنوان یکی از موفق ترین آثار منتشر شده در حوزه شعر جنگ و دفاع مقدس در سه سطح زبانی، محتوایی و ادبی مورد بررسی قرار داده، ویژگی ها و برجستگی های سبکی آن را مورد بررسی قرار دهیم. این پژوهش با روش کتابخانه ای صورت گرفته است.

کلمات کلیدی: سید حسن حسینی، مختصه سبکی، بلاغت، شعر جنگ و دفاع مقدس، «هم صدا با حلق اسماعیل».

*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خلیج فارس بوشهر.
مقدمه

هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، تاثیر شگرفی در عالم ادبیات و به ویژه ادبیات منظوم پدید آورد و ذوق و قریحه و اندیشه نسل بیدار جامعه را به خلق ادبیاتی نو و امیدآفرین سوق داد و بستری مناسب را برای احیاء تفکرات و باورهای عمیق و ژرف دینی و مذهبی در قالب شعر فراهم آورد که این تحولات به نوبه خود، فرم و قالب و سبک و هنجارگریزی ویژه ای را میطلبد. بی گمان آن دسته از حوادث و رویدادهای که تاثیر عمیقی در زندگی و تاریخ یک ملت داشته اند، همگام با خود، ادبیات و هنر و... را نیز تحت الشعاع خود قرار میدهند. آنچه گفتنی است این که ادبیات یک کشور بیش از شاخه های دیگر آن، سعی در انعکاس مسائل روز جامعه دارد.

کشور ما نیز به دلیل موقعیت خاص استراتژیکی و داشتن یک نظام اعتقادی متقن و راسخ، خواه نا خواه عرصه تاخت و تازها و تحولات متعددی بوده است. ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز وقوع جنگ تحمیلی، از جمله تحولات مهم تاریخ این کشور در سال های اخیراند که باعث دگرگونی ها و تحولاتی در ساختارها و هنجارهای سیاسی، اجتماعی، اعتقادی،



فکری و روحی، فرهنگی و هنری جامعه شده اند. در این میان، شعر، به لحاظ سادگی و لحن دلنشین و بیان مؤثر و آهنگین خود که بیشترین تأثیر را بر مخاطب میگذارد، این تغییرات زمانی را به خود پذیرفته و شاعران نیز به سرعت به انتقال منظوم وقایع ناشی از آن همت گماشته اند.

در حوزه شعر انقلاب اسلامی، شاعران بسیاری بالیده و نام آور شده اند که بی گمان، «سید حسن حسینی» یکی از بزرگترین و برجسته ترین این شاعران است. «حسینی» شاعری است که به گواه آثار و رفتار فرهنگی ویژه اش، یکی از چهره های شاخص جریان ادبی انقلاب، دفاع مقدس و ادبیات پایداری است. آثار او چه از نظرگاه مضمون و محتوی و چه از لحاظ سبک، ساختار و شیوه، قابل توجه فراوان است. او را میتوان نماینده و پایه گذار ادبیات نوین آیینی یا ادبیات نوآیینی معاصر دانست. «حسینی»، علاوه بر آن با کاربرد قالب سپید و نیمایی در شعر و خلق اثری مستقل در این قالب، در حوزه ادبیات آیینی به موفقیتی نوین دست یافت.

مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» از نخستین کتاب های منتشر شده ادبیات انقلاب اسلامی است. این مجموعه از سه فصل؛ «سروده های سحرزاد» (به تعبیر شاعر: گزیده اشعاری که پس از انقلاب اسلامی سروده شده اند)، «شب سروده ها» (گزیده ای از سروده های پیش از انقلاب). و دفتر رباعی تشکیل شده است. غزل، مثنوی، رباعی، شعر آزاد و شعر سپید، قالب ها و ساخت های شکلی شعرهای این مجموعه اند.

کتاب به «دیده بان» که روی خدا را دید: شهید جمشید بروجردیان» تقدیم شده است. تولی و تبری، مدح و تشجیع و تهییج رزمندگان ایران اسلامی، سوگ سرود برای شهیدان و بزرگداشت چهره های مؤثر انقلاب، موضوعات مهم و اساسی این کتاب است. رباعی ها، مثنوی های «عاشقان» و «عارفان»، غزل هایی چون؛ «وداع» و «کرامات نورانی» و شعرهای آزاد و سپیدی چون؛ «کبریت در قلمرو خورشید»، «عاشقان»، «پنج سرود»، «قطعه شهدا» و «ده فرمان جهاد» از شعرهای مشهور و جریان ساز این کتاب هستند.

«سید حسن حسینی» در این کتاب، همانند دیگر شاعران جنگ و دفاع مقدس، در پرداخت وقایع شتابناک و در عین حال تأثیر



گذار عرصه جنگ و نبرد، از لحنی ساده و صمیمی و بی تکلف مدد میگیرد و بدون آن که به اصالت شعر خود آسیبی برساند، به راحتی و روانی سخن میگوید. آن چه شایسته گفتن است اینکه، شعر او تنها به مقطع زمانی جنگ (سال های ۵۹ تا ۶۷) محدود و منحصر نمیماند، بلکه به جرأت میتوان گفت که در سال های بعد از جنگ نیز، سروده های او در مورد جنگ و دفاع مقدس، قوی تر و منسجم تر و هنری تراند، چرا که شاعر، دیگر در بحبوحه جنگ نیست و فرصت اندیشیدن دارد. در حقیقت، میتوان سال های بعد از جنگ را سال های تکوین سروده های دفاع مقدس و ادبیات پایداری «سید حسن حسینی» دانست.

«حسینی» برای نخستین بار با رویکردی نوین به قالب های کلاسیک شعر، از جمله غزل و قصیده و رباعی، نشان داد که بدون آرایش های لفظی و معنوی پیچیده هم میتوان اشعاری جذاب، محکم و ماندگار سرود. به طوری که حتی تکراری بودن بعضی از مفاهیم و مضامین و قالب های شعری نیز، باعث یکنواختی شعر او نمیشود.

از دیگر نکات بارز و قابل توجه در شعر «سید حسن حسینی» در این مجموعه که میتواند ویژگی شعر دیگر شاعران جنگ و دفاع مقدس نیز باشد، توجه فراوان شاعر به اعتقادات و باور های دینی و مذهبی و ملی و به کارگیری تلمیحات تاریخی و اشارات قرآنی است.

بحث:

۱ - درباره مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» :

این کتاب، اولین مجموعه شعر شاعر متعهد معاصر، «سید حسن حسینی» است که در سال ۱۳۶۳ برای نخستین بار چاپ و منتشر شده است و در برگیرنده ۵۱ سروده در قالب های غزل، مثنوی، شعر نو و نیز ۱۴۲ رباعی است. مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» مجموعه ای است صمیمی و ساده و روایتی است صادق از آرزوها و آرمان های شاعرانه سراینده آن و به همین دلیل نیز ایجازهای شاعرانه در این کتاب، جای خود را به واگویه های درونی داده و تکرار در تصویر سازی های موازی، بسامد بالایی در آن دارد. ترکیب سازی ها، بیشتر آهنگی سنگین و حماسی دارند. گاه هم سوی با ترکیب های کلاسیک و کهن اند و گاه نیز بسیار ساده و سنگین و صمیمی.



در این کتاب ترکیب هایی حماسی در کنار ترکیب های ساده و صمیمی مینشینند و زیبایی دوجندانی به لحن و بیان شاعر میبخشند. همنشینی این گونه ترکیب های حماسی و ترکیب های ساده و صمیمی را میتوان در اکثریت قریب به اتفاق شعرهای این مجموعه، چه در قالب های کلاسیک و چه در قالب های نو، دید. اما در مطالعه اشعار این مجموعه، به روحیه حماسی و توفنده ای که دروازه واژه آن پیدا است پی میبریم و این امر، علاوه بر روحیه حماسی و اعتراض آمیز شاعر، در ترسیم فضای انقلاب و حماسه آفرینی های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس نهفته است در رباعیات این مجموعه نیز همانند دیگر انواع شعر، همین روحیه حماسی و توفنده دیده میشود.

در عرصه مفهوم پردازی ها، گاهی جسارت و گستاخی و اعتراض و انتقاد شاعر به اوج خویش میرسد و با صراحتی شگفت، خطاب به روشنفکران بی درد و مدعی فریاد اعتراض سر میدهد:

- من خوب یادم هست / روزی که روشنفکر / درکافه های شهر پر آشوب / دور از هیاهوها / عرق میخورد / با جان فشانی های جانبازان حزب الله / تاریخ این ملت / ورق میخورد. (حسینی، ۱۳۸۷: ۵)

این معنی گرایی و مضمون پردازی ها، گاهی با تصویرها و تلمیحات مذهبی بسیاری همراه شده است:

- در کنار مشعلی از خون / جنون والا را / به تفسیر در خون خفتی / و کارون / در رگان پیشانی ات / جوشید / و دلم / ردای سرخ یاد تو را / پوشید / و خورشید / قطره قطره / خون تو را نوشید / معراج مردان را / قامت بستی / به زخم حسین (ع) / در ظهر عاشورا / و از این روست / ای دوست! / که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه ات / اقتدا میکند / و هر پگاه نام تو را / چونان سلام سرخ نمازش / ادا میکند. (همان: ۶۷-۶۸)

سخنان و عبارات حکیمانه آزادمردان نیز در این ساختار نقش دارد و ابزار ترکیب سازی شاعر میشود. در فراز پایانی شعر «ده فرمان جهاد»، شاعر با اشاره به سخن شیخ محمد خیابانی، ترکیب سازی میکند:

- ای آشفته دستاران جذبه ایثار / حرامیان در احتضار شکست / با دهان تفنگ شما وصیت میکنند / و آیه های متواتر جهاد / با رگبار مسلسل های متکی به عشق شما / تفسیر میشود / ای همزادان



سپیده و فجر/ پایان انتظار/ از راه میرسد/ وقتی شقیقه شب را/ آماج سرب ستاره میکنید/ و قطره قطره خون حنجره حق سرایتان میچکد/ در پای پنجره صبح صادق وارستگی/ وقتی شهاب وار/ - ای لقمه های خاردار- / گلوی ظلمت را پاره پاره میکنید. (همان: ۷۵)

شعر «سیدحسن حسینی» در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» شعر اندیشه است و این عنصر اندیشه است که به شعرهایش انسجام و تشکلی ویژه میبخشد. با این همه، او هیچگاه از دیگر عناصر شعر به ویژه موسیقی و زبان و امکانات بالقوه آن و نیز از نقش خیال انگیزی موسیقی در شعر غافل نیست و در جایگاه مناسب خویش از همه آنها در هرچه بارورتر و زیباتر ساختن فضای شعرهای خود بهره میگیرد. همین غنای اندیشه با پشتوانه عظیم فرهنگی و اشاره ها و تلمیحات تاریخی و مذهبی و اسطوره ای و... از شعر «حسینی» شعری میسازد زیبا، منسجم، دلنشین و با لحن و بیانی حماسی و شورانگیز که تا حدی خواننده و مخاطب ژرف اندیش را طلب میکند.

زبان در این مجموعه، زبانی ساده و صمیمی است که از حرکتی پویا، زنده و تپنده خبر میدهد؛ زبانی ساده که در انتقال کلی پیام و رسالت شعر به مخاطب، نیاز به هیچ واسطه بیرونی ندارد:

- دلا دیدی آن عاشقان را/ جهانی رهایی در آواز شان بود/ و در بند حتی/ قفس شرمگین از شوق پروازشان بود:/ پیام آورانی که در قتلگاه ترنم/ سرودن - علی رغم زنجیر- / اعجازشان بود/ به سرسبزی نخل ایثار/ به این آیه های تناور/ دلا گرنه ای سنگ/ ایمان بیاور! (همان: ۷۷) و طرائق التدریس للعلوم الأساسية

یا مثلاً در شعر زیر که هیچ واژه ای برای مخاطب پارسی زبان، ناآشنا و او از دریافت محتوای شعر ناتوان نیست:

- این گریه آور است:/ در فصل جوشش صد چشمه زلال/ جمعی ز تشنگان/ به خاطره آب/ دلخوشند/ این خنده دار نیست؟/ هنگام فجر و رویش خورشید بی زوال/ بوزینگان/ به کرمک شبتاب/ دلخوشند. (همان: ۴۴)

از اندیشه های کلیدی «سید حسن حسینی» در این مجموعه، گونه ای تکاپو و تحرک و حماسه آفرینی است. اساساً شعرهای این مجموعه، شعرهایی اندوین و در عین حال ستیهنده و طوفانی،



شعرهایی برومند و استوار، معصوم و پویا و زنده، شعر خشم و خروش و مقاومت و مبارزه و اعتراض و فریاد، شعرهایی که زندگی و مردانگی در آنها موج میزند، آمیزه ای از مهر و لطف و خشم و زمزمه ای از توحید و اخلاقند، در عین اینکه جویباری از نیایش و دعایند، دریایی از حماسه و آتش را نیز در خود نهفته دارند:

حیف است از تکاپو طرفی یک عمر شب نشینی در شب
نبسته مردن نشسته مردن

خفّاش سان پریدن در تیرگی چه همچون شهاب باید شب را
حاصل؟ شکسته مردن

آنجاه که ماه سنگ است پای ماندن قرین ننگ است، آنک
ستاره لنگ است خجسته مردن

هنگام مرگ، یاران چشم مرا در دین ما حرام است با چشم
مبندید بسته مردن

(همان: ۱۰۳)

موسیقی در ساختار غزل های این مجموعه، بیشتر به قصیده میماند. غزلیاتی که گاه، ده و یازده و شاید بیشتر از این، بیت دارند، بیشتر به ستایش و مدح میپردازند و در عین حال، لحن و بیانی فخیم و استوار همچون قصیده دارند. به عبارتی میتوان آنها را غزل- قصیده و یا «غزل حماسی» نامید. همنشینی عرفان و حماسه که از ویژگی های اساسی شعر انقلاب است، در غزل های این مجموعه نیز دیده میشود.

مجلة العلوم الأساسية
للعلوم التربوية والفنية وطرائق التدريس للعلوم الأساسية

رباعیات این مجموعه نیز همانند غزل ها و مثنوی ها و ... سرشار از حماسه و شور و عرفانند. این رباعی ها اگرچه به دلیل معنی گرایی و اصالت بیان و محتوا، کارکردهای هنری و بلاغی، آنچنان که باید و شاید مجال جلوه گری در آنها نیافته اند، با این همه از نظر مضمون پردازشی های باشکوه، غنی اند. نوعی مبارزه ی دایم و آگاهانه در جهت از بین بردن «دیو سیاه شب» و «ظلمت» و «همدم و همنفس شدن با صبح و سپیده» از مضامینی است که در رباعی های این مجموعه فراوان دیده می شود. تصاویری که در همراهی با تشبیهات غیر حسی، ساختار سنتی



را شکسته است. در این گونه موارد، شاعر، زبان نماد و سمبل را برای بیان منظور خویش به کار میگیرد:

با دیو سیاه شب در جام جنون باده ی
درآمیخته ایم خون ریخته ایم

از باد سحر نشان ما ما با نفس صبح
را جوئید درآمیخته ایم

(همان: ۱۳۶)

۲- ویژگی های ادبی شعر «سید حسن حسینی» در مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل:

کم توجهی به کاربرد آرایه های ادبی گوناگون، وجود آرایه های بدیع لفظی چون؛ جناس و واج آرایه و آرایه های معنوی چون؛ ایهام، تشبیه، استعاره، تشخیص و کنایه، بدون آن که شعر را به تصنع و تکلف بکشاند، استفاده از ردیف های بلند، رویکرد به اوزان عروضی رایج سبک هندی، کاربرد ترکیبات واژگان مهجور و کم کاربرد چون؛ شهید، شهادت، ایمان، دفاع، جهاد، مبارزه و... به کار بردن مفاهیم متناقض نما برای آرایه تصاویر تاثیر گذار و ماندگار، احیاء بعضی از قالب های پیشین که در دوره های اخیر به آن ها توجهی نشده بود هم چون؛ رباعی و دوبیتی و... و آرایه مفاهیم خاص در قالب هایی که تاکنون برای چنین مضامینی به کار نرفته بودند را میتوان از مهم ترین ویژگی های ادبی سروده های «سید حسن حسینی» در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» دانست.

صور خیال شعر «سید حسن حسینی» بیشتر برگرفته از محیط جنگ و میادین حماسه و نبرد است. «حسینی» با این کار، محیط جنگ و نبرد را پیش چشم خواننده ترسیم میکند و او را همراه با خویشتن به میادین نبرد میکشاند. در حقیقت؛ او، ماده و مایه اولیه شعر خود را از میادین جنگ و نبرد برگزیده است.

۲ - ۱. تشخیص: «یکی از زیباترین گونه های خیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و در عناصر بی جان طبیعت میکند و از رهگذر تخیل، بدان ها حرکت و جنبش میبخشد و در نتیجه، هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیاء مینگریم،



همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۷۴)

تشخیص در اشعار «سید حسن حسینی» خیال انگیز و پر کاربرد است. او به وسیله جان بخشی به اشیاء، عناصر طبیعی و عناصر انتزاعی، شعر خود را سرشار از حرکت و حیات و پویایی کرده است. در حقیقت؛ حوزه ی تشخیص، جولانگاه تفکر و تخیل شاعر بوده که مفاهیم متنوعی را شامل می شود. از نظرگاهی دیگر نیز موارد تشخیص در اشعار «سید حسن حسینی» عبارت است از نسبت دادن افعال، اعمال، حالات، صفات و عواطف انسانی به عناصر تجریدی و انتزاعی هم چون؛ عشق، مرگ و... در این گونه شعرها، برخی از تصاویری که به واسطه تشخیص آرایه شده اند، در نوع خود جالب توجه و از خلاقیت و نوآوری ویژه برخوردارند:

— هرم جاری همت یارانم / با پنجه فلق / بر چشم غول شب / خاکستر ستاره میباشد. (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۳)

— تا بیکر نفاق به کام شرر برد
قصاص کشد دوزخ عذاب (همان: ۲۴)

خمیازه

— خورشید / قطره قطره / خون تو را نوشید. (همان، ۶۷)

— خصم آمده ای تفنگ مبهوتش کن
از راه رسیده چاره ی قوتش کن

تا لطف تو جا در دل و جانش گیرد
مهمان طعام سرب و باروتش کن (همان: ۱۵۴)

«حسینی» شاعر در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل»، به وفور صفات و اعمال موجودات زنده را به اشیاء نسبت داده و آنها را مورد خطاب قرار میدهد. گویی همه چیز در این مجموعه - حتی خود واژگان و اصطلاحات - سرشار از حماسه و حیات و زندگی است و در همراهی با شاعر به حماسه پردازی و نبرد با دشمنان دین و سرزمین برخاسته اند.

شگرد دیگری که در حوزه تشخیص باید از آن یاد کرد، اسناد مجازی است. کاربرد اسناد مجازی سبب گردیده تا شاعر تصاویر خیال خویش را در قالب گزاره های شاعرانه آرایه دهد. در تقسیم بندی اولیه مجاز «اسناد مجازی» یکی از انواع دوگانه مجاز است که آن را مجاز نقلی یا مجاز حکمی و مجاز اسنادی



نیز مینامند. در اسناد مجازی، فعل یا خصوصیتی به چیزی نسبت داده میشود که در عالم واقع به او تعلق ندارد و برای او انجام آن کار امکان پذیر نیست. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۲۷)

« حسینی » در هم نشین کردن کلمات، جنبه های موسیقایی و معنایی آنها را نیز مورد توجه قرار داده و در این راه، از اسناد های مجازی بسیار سود برده است. این ویژگی – البته – در اشعار سپید و غزل های متأخر او نمود بیشتری یافته و بر شاعرانگی آنها افزوده است. در بسیاری از این نمونه ها، می توان قایل به تشخیص نیز شد. در بیت زیر شاعر، « شرمگین بودن » را به « قفس » اسناد داده است:

– و در بند حتی / قفس / شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود. (حسینی؛ ۱۳۸۷: ۷۷)

– خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه ات / اقتدا میکند / و هر پگاه / نام تو را / چونان سلام سرخ نمازش / ادا میکند. (همان: ۶۸)

– بانگ دلگیر جرس / در سکوت شب من میمیرد. (همان: ۸۹)

۲ – ۲ . **تلمیح:** تلمیح یکی از منقذهای ریزش فرهنگ در شعر شاعران است. شاعری که در میان فرهنگی خاص میبالد، خواه ناخواه، در خورجین خود اندوخته های بسیاری از فرهنگ مکتوب و غیر مکتوب قوم خود را ذخیره دارد که ناگزیر از گفته ها و سروده هایش سرک خواهد کشید و در زبان شعر به صورت دلبستگی های موضوعی و تصویری ظهور خواهد کرد.

للعلوم التربوية والنفسية وطرائق التدريس للعلوم الأساسية

این آرایه در شعر مقاومت و دفاع مقدس یکی از پربسامدترین آرایه هاست. ضرورت به کار گیری تلمیح در شعر مقاومت میتواند ناشی از توجه فوق العاده سرایندهگان به حیطة معنایی شعر باشد و عواملی چون؛ روح حماسی حاکم بر شعر جنگ و جذبه های مذهبی و آیینی در سنت ادبی ما که شاعر را در سرایش به سمت این شگرد بدیعی سوق میدهد. تلمیحات شعر پایداری و مقاومت بر خلاف اشاره های اسطوره ای و تاریخی، اغلب حاوی اشارات مذهبی اند و سهم ملت و فرهنگ ایرانی و ملی در آن ها کمتر است. « حسینی » با یادآوری شخصیت ها و داستان های قرآنی، مذهبی و تاریخی در جهت خلق تصاویری حماسی و شگفت از حماسه های شخصیت



های انقلاب اسلامی استفاده کرده و سرگذشت آنها را با سرگذشت همین انسان های دور و بر خویش پیوند زده است.

در شعر «سید حسن حسینی» این اندوخته ها و آموخته های او از فرهنگ گذشته و معاصر، در شخصیت او درونی شده و آنگاه در هنرش بروز و ظهور یافته است. او با اندوخته غنی و گسترده ای که در زمینه فرهنگ و تاریخ ایران و اسلام دارد، از داستانهای قرآنی، مذهبی و تاریخی، فراوان در شعر خود سود برده و نشان داده است که رابطه عمیق و استواری با گذشته فرهنگی خویش دارد. داستان ها و سرگذشت هایی که اگرچه روزگاران درازی بر آنها گذشته اما هنوز هم میتوان مصداق ها و نمود های عینی آن را در همین اجتماع دور و بر خویش مشاهده نمود.

نمونه های تلمیح:

- محمد (ص) گفت نه! / و پر جبرئیل آتش گرفت. (همان: ۶۲)
- و در تو ای مرد! / اصالت لبیک سرخ گون اسماعیل / به لبة تیز تیغ رسالت! / آه ای به تمنی / ره یافته به حریم منی!. (همان: ۷۰-۶۹)
- دی شیخ با چراغ... / و من امروز / در جست و جوی چراغی بر آمده ام / تا در پرتو سخاوت روشنگرش / تماشایی تازه را از سر گیرم. (همان: ۷۱)

عیسی چو رسید خلق مسرور شدند / تا زد نفسی رها
از آن گور شدند

موسی ید بیضا زبغل بیرون کرد / گوساله پرستان زمان
کور شدند (همان: ۱۱۸)

۳ - ۲ - نماد: اصطلاح نماد مفهوم بسیار وسیعی دارد، آن چنان که میتوان از آن به عنوان هر شیوه بیانی که به جای اشاره مستقیم به موضوعی آن را غیر مستقیم و با واسطه موضوعی دیگر بیان میکند یاد نمود. استفاده از نماد در قلمرو ادبیات و شعر از پیشینه ای طولانی و پرفراز و نشیب برخوردار است.

حوزه تمثیلی و نمادین شعر پایداری، آنگاه که عنصر نمادین خود را از محیط وام میگیرد، به تقویت و گسترش هر چه بیشتر



عنصر خیال میپردازد و کلام را از سطح نازل نثر به سطح عالی شعر بالا میبرد. در این میان، تمثیل های آیینی، اسطوره ای و تاریخی در غنای اندیشه و پیوند آنها با ملیت و دین، مؤثر عمل کرده اند. در حقیقت؛ «رویکرد اسطوره ای و نمادین در شعر دفاع مقدس و پایداری ایران، جایگاه ویژه ای دارد. شاعران با استفاده از بن مایه های اسطوره ای و بیان نمادین، با بازآفرینی اسطوره ها و با طرح شخصیت های ملی و دینی و تأکید بر ارزش های اسلامی و ایرانی، روح دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی را بیدار میکنند...» (لک: ۱۱۱ - ۱۳: ۱۱۲). زیرا: «
 هنگامی که یک سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار میگیرد، نیاز به قهرمان سازی و قهرمان پروری دارد. از این رو؛ شاعران با بازآفرینی اسطوره های تاریخی، ملی و دینی به پایداری روحیه دفاعی ملت پرداختند و احساس قدرت، دوام و پایداری در مقابل سلطه بیگانه را تقویت کردند و استقرار و ثبات خویش را به رخ دشمنان کشیدند. آنان در این زمینه از اسطوره ها به عنوان نماد استفاده میکنند و از آن برای کشف، شهود و بازآفرینی حقیقت یاری میجویند» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۶۴). نمادها، همواره در دو حوزه معناگرایی و تصویرآفرینی، نقش عمیقی داشته اند و همین دو خصلت ارزشمند ادبی سبب شده است تا در ساز و کار سراینده‌گی، به شکلی کارآمد مورد توجه قرار گیرند.

شعر دفاع مقدس و پایداری، به ویژه در حوزه شعر سپید، برای رهایی از ورطه تاریک و ناپیدای شعار زدگی، راهی جز تمسک به نمادهای گوناگون نیافت و به این ترتیب با به کار گیری نمادها، تداعی های پر رمز و رازی را در حوزه های تمثیلی با زمینه های فرهنگی، آیینی و تاریخی ایجاد کرد و به شیوه های سمبلیک نزدیک و نزدیک تر شد.

«سید حسن حسینی» شاعر متعهد و انقلابی، وقتی در برابر حماسه های هشت ساله قرار میگیرد به نیکویی در مییابد که زبان صریح و بهره گیری از محسوسات، توانایی پرداخت و توصیف آن همه دلاوری و از جان گذشتگی را ندارد. در چنین شرایطی، بهره گیری از زبان نمادهای پویاست که علاوه بر داشتن ظرفیت معنایی گسترده، معنای مبهمی دارند که با توجه به قدرت ادراک خواننده به فعلیت می رسند. وی: «با واقعه ای برخورد میکند که با عقل سازگار نیست، لذا با زبانی مجهول که به مرور به شرایط



محیطی واقعہ انس برقرار میکند، احساسات خود را بیان میکند.»
(روشنفکر و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸).

زمینه ها و دلایل پیدایش نمادها در شعر «سید حسن حسینی» را علاوه بر همین تفکر آیینی و فلسفه مذهبی حاکم بر تفکر شاعر، میتوان در نگرش زیباشناسی او نسبت به کلام و ارزش هنری آن دانست. او از این طریق میکوشد تا سروده های خود را از ورطه شعار زدگی که شعرهای آغازین دفاع مقدس گرفتار آن بودند، برهاند و به سمت و سوی افق های تخیل بکشانند. در یک بررسی اجمالی به خوبی میتوان دید که نخستین سروده های «سید حسن حسینی» که در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» قرار گرفته اند، از نماد های عمومی و کلیشه ای که آنها را در دیوان هر شاعری از شعرای انقلاب میتوان دید، سرشار است و نمادهای ویژه، ابتکاری و خصوصی او در مراحل بعدی شاعری او مشاهده میشود. در حقیقت؛ هر چند توانایی و قدرت تخیل او، مرزهای گسترده ای از تکامل را میپیماید، استخدام و به کار گیری اقسام و انواع نماد های خصوصی و ابتکاری نیز در شعر بیشتر میگردد. با این همه باید گفت؛ حوزه استفاده «سید حسن حسینی» از عنصر نماد، حوزه ای بسیار گسترده و عمیق است. تنها در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل»، ۸۹ شعر از مجموع ۲۵۵ شعر او، نماد و اسطوره دارند و حتی درصد به کار گیری هر نماد و اسطوره نیز، درصدی قابل توجه را نشان میدهد.

گرچه گاهی در شعر «سید حسن حسینی» هم دستی نمادهای مختلف دینی، عرفانی، تاریخی، طبیعی و ادبی، شعر او را به شیوه ای نمادین با زنجیره هایی از تداعی های معهود از سطح شعار صرف بالاتر برده و سروده ای به وجود آورده که موجب فخامت کلام او گردیده است. با این همه، در یک تقسیم بندی کلی میتوان با سرشماری اشعار دارای نماد و اسطوره در مجموع سروده های شاعر، آن ها را به شش گروه و حوزه تقسیم کرد: ۱- نمادهای طبیعی، ۲- نماد های شخصی مثبت، ۳- نمادهای شخصی منفی، ۴- نمادهای حیوانی، ۵- نمادهای مکانی، ۶- موارد دیگر که شامل نمادهایی است که به لحاظ ماهیت، قابل درج در حوزه های دیگر نیستند.

درصد استفاده «حسینی» از نمادهای طبیعی و شخصی در نسبت با دیگر انواع نمادها بیشتر و میزان استفاده او از نمادهای



مکانی بسیار اندک است. در این مقال، مجال پرداختن مفصل به موضوع نماد در شعر «حسینی» نیست. به نمونه هایی از انواع نمادها اشاره وار بسنده میکنیم.

*** گل شقایق:** نماد شهید و شهادت.

— از وادی سپیده، پیکی زره رسیده / کز هجرت شقایق بازش
بود خبرها (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵)

*** گل محمدی:** نماد شهید است.

— شعرمن که عاشقم / همیشه / از تو گفتن است / ای که در بهار
سبز نام تو / رسالت گل محمدی / شکفتن است. (همان: ۶۱).

*** گل زنبق:** نماد و سبیل شهید است.

— در قتل عام لاله و شب بو و زنبق / طوفان به خون آلوده
دستش تا به مرفق (همان: ۲۹)

*** لاله:** «حسینی» این گل را به عنوان نمادی از شهید، خون و
مرگ سرخ و فریاد به کار میگیرد.

ببین لاله هایی که در باغ ماست / خموش اند و
فریادشان تا خداست (همان: ۴۵)

*** باغ:** نماد بهشت زمینی و آسمانی است که با طبقات بهشت
ارتباط دارد. (شوالیه و گرابران، ۱۳۸۸: ج ۲: ۴۱) در شعر
سید حسن حسینی، نمادی از وطن است.

هرگز نمیتواند این باغ را بسوزد / طوفان آتش افروز با
یاری تیرها (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۶).

*** جنگل:** نماد حرم، قدرت، برکت، انبوهی، ترس و ناخودآگاه
است. (شوالیه و گرابران، ۱۳۸۸: ج ۲: ۴۵۴) «حسینی» جنگل را
نیز نماد و سبیل وطن و سرزمین قرار می دهد:

جنگل / سکوت / هیچ ... / آهسته یک قدم / در متن احتیاط / ...)
(حسینی، ۱۳۸۴: ۵)

*** باد:** نمادی است از دشمن:



ای تیز تک غزال تهاجم! / باور نمی کنم که تورا باد کشته است!
(همان: ٦٥)

*** شب:** نماد دشمن، ظلمت و شرارت است:

خورشید تبعیدی به زندان افق بود
شب در هجوم بال
خفاشان قرق بود

دیو سیاهی مظهر تلواسته شب
میخورد مغز اختران در کاسه شب (همان: ٣٨)

– رنگ ها نیز در اشعار « سید حسن حسینی » در معانی نمادین بسیاری به کار گرفته شده اند که به دلیل کاربرد نمادین و زیباشناسی ای که دارند و نیز به دلیل حجم گسترده و فراوانی که شامل شده اند، باید در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. همین قدر باید گفت که « سید حسن حسینی » شاعری متعهد و انقلابی است که هم به دوره قبل از انقلاب و هم به نسل بعد از انقلاب اسلامی تعلق دارد و بدیهی است که بن مایه های نمادین رنگ ها در شعر او به شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مربوط باشد. با این همه، بیشترین حجم سروده های این شاعر به دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و متعلق به دوران هشت سال جنگ و دفاع مقدس است که با استفاده از بن مایه های رنگ ها به توصیف حماسه پردازیهای دلاور مردان و سلحشوران انقلابی و متعهد میپردازد.

البته نمیتوان دلایل استفاده نمادین « سید حسن حسینی » از رنگ ها را تنها در شرایط محیطی و تاریخی محدود دانست، چرا که او با آگاهی ها و استعداد های فراوان هنری و پشتوانه قوی فرهنگی و دارا بودن ذوق سرشار در شاعری، به دلایل دیگری نیز به سمت و سوی استفاده نمادین از رنگ ها کشانیده شده است که از جمله آن ها میتوان به مقوله زبان شناسی و ایجاد آشنایی زدایی و بیگانه سازی زبان شعر خویش اشاره کرد. رویکرد «سید حسن حسینی» به استفاده نمادین از رنگ ها نیز سیری مشخص دارد. او دوران سیاه و تاریک قبل از انقلاب را با استفاده از زمینه رنگ های سیاه و تیره به تصویر میکشد و آن گاه که در دوران هشت سال دفاع مقدس به توصیف رشادت ها و حماسه پردازیهای رزمندگان و مبارزان انقلابی میپردازد، سروده های خویش را با رنگ سرخ که رنگ خون و قیام و حماسه است، میسراید.



«حسینی» سالها بعد از پایان یافتن دوران دفاع مقدس، آنگاه که شاهد از بین رفتن و فراموش شدن ارزش ها و دستاوردهای ارزشمند انقلاب است، دوباره با رویکردی ناامید کننده و یأس آلود و اعتراض آمیز، زمینه نمادین رنگ سیاه و خاکستری را در شعر خویش به نمایش میگذارد.

رنگ سرخ با تمام مایه های مثبت دینی خویش، بیشترین و گسترده ترین حوزه نمادین رنگ را در اشعار «سید حسن حسینی» دربر دارد و اساساً رمز ایثار، شهادت، عشق، شادابی، ایمان و گاه نماد حرکت انسان های انقلابی است. بیشترین نمود و حضور این رنگ را میتوان در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» مشاهده کرد. او در سروده های حماسی خویش، با ترکیبات حماسی و با استفاده از رنگ سرخ به توصیف دلورمردی های رزمندگان انقلابی و ایثارگری ها و شهادت طلبی رزمندگان میپردازد. در بسیاری از این ترکیبات، علاوه بر مفهوم نمادین رنگ سرخ، نوعی هنجار گریزی و آشنایی زدایی زبانی که به ایجاد حس آمیزی های شاعرانه نوینی می انجامد، مشاهده میشود.

– تا ورد لب هاشان سرود سرخ لا شد
هر جا زمینی بود آنجا کربلا شد. (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۵)

*

– نازم وقار سرخشان را این عزیزان
زخم زبان دشنه را با خون جواب اند. (همان: ۱۳)

– آنک نزول پوزة گفتار و خرس و گرگ/ در عرصه ای حقیر/ بر
قامتی سترگ/ با برگ بزرگ سبز درختان ملتهب/ آنک ظهور پچیچه
راز های سرخ. (همان: ۵۱)

– از نسل سرخ سربداران سلحشور
نام آواران خطة دار و طناب اند. (همان: ۱۴)

«حسینی» گاه به جای رنگ سرخ از متعلقات آن چون؛ خون و خونین و... با همان کاربرد نمادین استفاده میکند:

– از آنها که خونین سفر کرده اند
سفر بر مدار خطر کرده اند. (همان: ۴۲)



رنگ سبز نیز با تمام بن مایه های دینی و فرهنگی خود، در سروده های سید حسن حسینی، حضور دارد و نمادی از آرامش و حیات و جاودانگی و امید و تقدس و پاکی است.

– به شعر دلیری تصاویر سبز به میدان مردی
مضامین سرخ. (همان، ۱۳۸۷: ۱۶)

*

– بنیادتان به سبزی گل واژه ی بهار
سرخ سیمای انقلاب. (همان: ۲۳)

رنگ سیاه در اشعار سید حسن حسینی، نمادی از ظلم و ستم حاکم بر جامعه و خفقان موجود در آن و یأس و ناامیدی و حاکمیت فساد است. بیشترین حجم حضور این رنگ و متعلقات آن را میتوان در مجموعه «در ملکوت سکوت» دید. دود، تاریکی، دهلیز، سایه، کبود، خاکستر، ابهام، مصیبت، حسرت، آه، غم، سکوت، خستگی و... واژه های مرتبط با رنگ سیاه اند که در این مجموعه فراوان دیده میشوند. در مجموعه «هم صدا باحلق اسماعیل» این رنگ حضوری کم رنگ دارد. با این همه، فضای شعر های این مجموعه در قسمت «شب سروده ها» آنجا که شاعر، خفقان و ظلمت حاکم بر فضای جامعه ی قبل از انقلاب اسلامی را به تصویر میکشد، سیاه و تاریک است:

– بانگ دیگر جرس/ در سکوت شب من میمیرد/ کاروان – منجی من
– / با طمانینه ز بیراهه شب میگذرد. (همان: ۸۹)

– بسترش قیر سکوت/ مادرش: تاریکی/ تاب گهواره او دغدغه است/
شیشه شیرش ظلمات/ دل من میسوزد/ طفل بیچاره شهاب!/ در شبش
میلاد است/ در شبش نیز وفات. (همان: ۹۱)

رنگ سفید نیز که نماد و سمبل پاکی، روشنی و آزادی است، توسط شاعران ادبیات پایداری و دفاع مقدس، برای تصویرسازی مورد استفاده قرار گرفته است. میزان حضور این رنگ در شعر «سید حسن حسینی»، اندک است. با این همه در شعرهای او که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سروده شده اند، فضایی روشن و درخشان دیده میشود. فضایی که با به کارگیری واژگان و ترکیباتی که دربر دارنده مفهوم نور و روشنی اند، ایجاد میشود. ستاره، صبح، طلوع، خورشید، ماهتاب، برف، دریچه، منظره و... در شعر



«سید حسن حسینی»، در معنای نمادین، چنین مضمونی را با خویش دارند:

بهاران آمد و بگشود بر یاران دری دیگر
نظر بر خاک میهن کن که بینی منظری دیگر
که
ببین مهر فروزان را که دیگرگونه می‌تابد
گوئی پرتو افشانند زبام خاوری دیگر
سرود
زبام خانه ی شادی، هلا ای مرغ آزادی
تازه ای سر کن، بزنی بال و پری دیگر
مبارک
کنون در صبحگاه مرگ باورهای پوشالی
باد بر یاران طلوع باوری دیگر

(همان: ۱۱-۱۲)

رنگ آبی در شعر «سید حسن حسینی» نمادی از آرامش و آسایش است. رنگی که کمتر در شعر این شاعر دیده میشود. شاید به دلیل ویژگی جستجوگرانه او در عرصه شعر و شاعری که تا آخرین روزهای شاعری اش نیز دغدغه کشف و نوآوری داشت و شاید هم به دلیل روحیه اعتراضی او به شرایط اجتماعی و سیاسی موجود.

انواع دیگر نماد چون؛ نماد های شخصی مثبت و منفی و... در «شعر سید حسن حسینی»، نمودی چشمگیری دارند. پرداختن به بررسی آن ها باعث اطالۀ کلام است. با نگاهی گذرا این حضور را مورد بررسی قرار میدهیم.

حسینی «در بسیاری از موارد با استفاده از بن مایه های اسطوره ای و بیان نمادین به بازآفرینی اسطوره های ملی، مذهبی و شخصیت های تاریخی، دینی و عرفانی پرداخته و سعی کرده است تا راز تداوم جامعه را در توجّه به این اسطوره ها تعریف کند که در شعر دفاع مقدّس به منبع مهم هویت سازی و تحکم مبانی هویت ملی و همچنین عوامل همگرایی و وحدت ملی تبدیل شده اند.» (روشنفکر و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۹)

*نماد های ملی:

- کاوه: نماد و سمبل قیام کامل و نشانه ایستادگی در برابر ظلم و ستم حاکمان زورگو و ستمگر است که نمونه های عینی آن



را میتوان در شخصیت قهرمانان و رهبران قیام مردم ایران بر علیه نظام های استبدادی و متجاوزان خارجی مشاهده کرد:

ای بامداد / ای کرده کاوه های زمان را / - در عصر مار دوش
- / (یاوه) قلمداد . (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۹)

- رستم: نماد انسان آرمانی و کامل است.

- آرش: نماد دلدادگی و عشق است.

* نماد های دینی:

- ابراهیم (ع): در شعر «سید حسن حسینی»، نماد اطاعت و تسلیم محض بودن در برابر دستورات الهی است:

بیار آتش کینه نمرودوار خلیلم ما را به آتش
سپار. (همان: ۴۲)

- اسماعیل (ع): نماد رزمنده ای است که آماده قربانی شدن است. نماد شهیدی است که ندای حق را لبیک میگوید و نیز نماد مریدی است که در برابر مراد تسلیم است:

اینان که به خلق و خوی اسماعیل اند در حادثه
آبروی اسماعیل اند

در گفتن لبیک به پیغمبر تیغ بی تاب تر
از گلوی اسماعیل اند.

(همان: ۱۶۱)

- حسین (ع): نماد ایستادگی، تسلیم ناپذیری، مرگ سرخ و آزادگی است:

عالم همه خاک کربلا بایدمان پیوسته به لب
خدا خدا بایدمان

تا پاک شود زمین زابنای یزید
همواره حسین(ع) مقتدا بایدمان

(همان: ۱۱)



گر بر ستم قرون برآشت حسین(ع) بیداری ما خواست به
خون خفت حسین(ع)

(همان: ٢٠)

*نمادهای عرفانی:

حلاج: نماد شهادت در راه آرمان و هدف های بلند عرفانی و الهی
است:

چون اولیاء بال و پر پروازشان حق چون مرغ حق زیر و
بم آوازشان حق

با ذوالجناح نور تا معراج راندند تا رزمگاه
عشق تا حلاج راندند.

(همان: ٤٠)

*نماد های اسطوره های منفی:

- **قابیل:** «اولین قاتل و افشاء کننده مرگ است. نماد انسانی
که برای نجات خود تا حد کشتن دیگران پیش میرود.» (شوالیه و
گرابران: جلد ٤: ٤١٧)

- با برادر هایم / از تبار قابیل به سفر خواهم رفت / وین چاه
حماقت هاشان / مرگ را / زندگی خواهم کرد.

(حسینی، ١٣٨٧: ٨٩)

- **نمرود:** نماد ابلیس و شیطان و دشمنان شیطان صفت است...

«سید حسن حسینی» از جمله شاعرانی است که به گونه ای استادانه
از عناصر و آرایه های بدیعی در جهت غنی سازی زبان و موسیقی
کلام خود سود برده است. آرایه هایی که نه به قصد پیراستن کلام
و گفتار که به صورتی خود جوش و در نتیجه رفتار کلی کلام ظاهر
شده اند و بی گمان موفق ترین و زیباترین سروده های «سید حسن
حسینی» نیز همین اشعاراند که در آنها به موسیقی و آهنگ
درونی کلام توجه بیشتری شده است. انواع مختلف موسیقی درونی،
بیرونی، کناری، معنوی و ... در شعر او از نمود و جایگاه
مهمی برخوردار است. در زمینه ی موسیقی درونی؛ انواع متفاوت
جناس، گروه های مختلف تکرار، در زمینه ی موسیقی معنوی؛ انواع



تشبیه، اغراق، مبالغه، مراعات النظیر، استعاره و... در شعر او به زیبایی به کار رفته است.

در موضوع موسیقی کناری نیز، قافیه و ردیف، هر کدام نقش موسیقایی خود را به خوبی ایفا کرده و شاعر کاملاً از عهده طنین بخشی کلام، بدون آن که دچار تصنع و مضیقه گردد، برآمده است. گویا «حسینی»، کاملاً به کاربردهای موسیقایی قافیه و ردیف واقف بوده است. از بررسی قافیه در شعرهای، این شاعر میتوان دریافت که در میان شعرهای نخستین او (در مجموعه هم صدا باحلق اسماعیل) نوع قافیه با واژه های غیر فعلی و تنها در بعضی موارد، کفّة ترازو به سمت قافیه های فعلی پایین می آید. از طرفی؛ در شعر های کلاسیک او، ردیف در واقع بیشتر مکمل قافیه بوده در محدوده هر بند و نوعی تکرار است تا عاملی در محور عمودی. به هر حال؛ ردیف هم مثل دیگر عناصر موسیقی ساز در شعرهای «سید حسن حسینی»، کاربرد ویژه ای دارد. اکثر ابیات او در شعر های کلاسیک دارای ردیف اند. به طوری که باشمارش دقیق در بین شعر های کلاسیک حسینی، میتوان به این نتیجه رسید که تقریباً ۸۰ درصد از بیت های او دارای ردیف اند و این چیزی دور از ذهن نیست زیرا یکی از مهم ترین هنر های سبکی «حسینی» تکرار است و ردیف یکی از نمود های تکرار واژه در شعر است. فعل در این ردیف ها بیشترین بسامد را دارد.

به طور کلی؛ غنای چشمگیر عناصر موسیقایی به ویژه موسیقی ناشی از مجاورت حروف (هم حروفی) و ردیف های بکر و خوش آهنگ، از ویژگی های برجسته شعر های «سید حسن حسینی» است. تنوع وزنی نیز از دیگر ویژگی های شعر اوست. البته در شعر «سید حسن حسینی»، به تبعیت از نهضت نو، در سه ساحت موسیقایی شعر؛ وزن، موسیقی کناری (ردیف و قافیه) و موسیقی داخلی (مجموعه تناسبات میان صامت ها و مصوت ها) شاهد تلاشهایی برای نوآوری هستیم.

وجود قافیه ها و ردیف های زنده و پر تحرک یکی دیگر از ویژگی های موسیقایی شعر «سید حسن حسینی» است و مجموعه «هم صدا باحلق اسماعیل» از این حیث در میان غزل های منتشر شده پس از انقلاب جایگاهی ممتاز دارد. در شعر او به سبب غلبه هیجان و عاطفه، غالباً با موسیقی مؤثر و متناسب با محتوای شعر



مواجه هستیم. اساساً تشکیل موسیقیایی را باید از ویژگی های بارز شعر او دانست. علاوه بر این، وزن های متناسب، وجود ردیف در اکثر شعر ها، نو بودن بسیاری از قافیه ها و ردیف ها، در غنای موسیقیایی شعر او حضوری تأثیر کننده دارد.

۲ - ۴ قالب های شعری «سید حسن حسینی»:

دوران انقلاب اسلامی و به ویژه هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، زمینه ای مناسب را در جهت تحوّل قالب های شعری فراهم کرده، بسیاری از قالب های کلاسیک از جمله غزل و مثنوی با رویکردهای نوینی، بیشترین رواج را یافتند. بعضی از قالب ها چون؛ رباعی و دوبیتی در این دوره، لباس نو به تن کرده و احیاء شدند و در مجموع، تمام قالب ها از محدوده شناخته شده خود فراتر رفته و با حماسه و عرفان در آمیختند.

«سید حسن حسینی» از انواع قالب ها و ظرفیت های شعر فارسی در ارایة مفاهیم و مضامین مورد نظر خویش استفاده کرده است و علاوه بر آن در ایجاد قالب های جدید و نیز در بیان اندیشه های آیینی و انقلابی در قالب های نو و نیمایی و سپید نیز یکی از موفق ترین شاعران معاصر است. در ذیل عمده ترین قالب های مورد استفاده «سید حسن حسینی» را مورد بررسی قرار میدهیم.

۱ - غزل: «رایج ترین و پر کاربرد ترین قالب شعری «سید حسن حسینی» است. میتوان گفت؛ وجود جنبه های عاطفی و احساسی در طول سال های مقاومت و تجربه مستقیم شاعران در میدان های دفاع مقدس و عرصه مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، این قالب را از حیث معانی لطیف و پر شور بارور ساخت و موجب گسترش مضامین شعری غزل شد.» (ایران زاده، ۱۳۷۷: ۱۰) از ویژگی های عمده غزل های «سید حسن حسینی»، میتوان به موارد زیر اشاره کرد: لطافت و نرمی زبان، برخورداری از ژرف ساخت والا، بی پیرایگی و رهایی آن از تکلف و پیچیدگی، آیینه عواطف و تأثیر و تأثرهای درونی شاعر بودن، تأثیر گذاری و پایایی آن در ذهن مخاطب، آمیخته بودن آن با عشق و عرفان و حماسه، هم نشینی مفاهیم و مضامین عرفانی و دینی و حماسی جنگ و پیوستگی معانی ابیات (بیان روایی). غزل های «سید حسن حسینی» به تبعیت از جریان های ادبی دارای اشکال متفاوتی است:



٢ - ١ **غزل حماسی:** تا پیش از انقلاب، غزل های حماسی پراکنده ای وجود داشت ولی بعد از انقلاب و به ویژه در دوران جنگ تحمیلی، شرایط خاصی به وجود آمد و موجب شد غزل حماسی به عنوان یک جریان نیرومند و جدی در شعر مطرح شود. صلابت و فخامت حماسه در کنار نرمی و لطافت غزل، طرحی نو در این قالب کلاسیک به وجود آورد. دوران جنگ، دوره تلفیق لطافت روح و صلابت حرکات رزمندگان بود و قالب غزل - حماسه یا غزل حماسی مناسب ترین قالب برای بیان این حادثه بود. غزل در شعر «سید حسن حسینی» نیز جایگاه ارایه و بیان مضامین حماسی و اجتماعی است. اگر اندوهی نیز در غزل های او مطرح میشود، اندوهی حماسی است که گاهی پس از مرگ پهلوانان دیده میشود که آن هم به مقتضای روح حماسی، رنگ و بوی تغزل به خود نمیگیرد.

٣ - ١ **غزل - قصیده:** از دیگر قالب های قالب غزل در دوره دفاع مقدس، آمیزش آن با قصیده است. عمده غزلهایی که در آن ها وصف شهید، شهادت، ایثار و پاکبازی مردم، صبوری مادران و خانواده های عزیز از دست داده ... است، در حقیقت نوعی قصیده به شمار می آیند، چرا که شاعر از همان آغاز قصد توصیف و ستایش دارد، اما به جهت سیطره روح غزل بر شعر، آن را میان غزل و قصیده قرار میدهد. «حسینی» اکثر قریب به اتفاق غزل های خود را در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» در این گونه نوین جاری ساخته است.

٤ - ١ **غزل- مثنوی:** آوردن یک غزل در میان مثنوی. بسیاری از سروده های دفاع مقدس به گونه ای است که یک مثنوی به ضرورت محتوا غزل تغییر میابد و دوباره به مثنوی تبدیل میگردد. در صد استفاده «حسینی» از این قالب بسیار اندک است. (یک مورد در مجموعه هم صدا با حلق اسماعیل).

٥ - ١ **غزل نو:** «این نوع از غزل معاصر را باید ترکیبی از غزل و سبک های خراسانی و عراقی و هندی دانست؛ به این معنا که از لحاظ استواری و فخامت زبانی - و نه از نظر ظرافت - به سبک های خراسانی و عراقی نزدیک میشود و در ظرافت و نازک خیالی تصویری به سبک هندی نزدیک و گاهی به آن شبیه میشود». (رستگار، : ١٣٧ : ٢٥٦).

این گونه از غزل های «سید حسن حسینی» را بیشتر میتوان در سال های بعد از دوران دفاع مقدس و در مجموعه « سفرنامه



گردباد «مشاهده کرد. دلبستگی و انس و علاقه «سید حسن حسینی» به «بیدل دهلوی» و شاعران سبک هندی در گرایش او به این شیوه تأثیر بسیاری داشته است.

۲ - قطعه: این قالب نتوانست در شعر دفاع مقدس مجال بروز و ظهور یابد. در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل»، از این قالب خبری نیست اما در مجموعه های بعدی شاعر که بعد از انقلاب و دفاع مقدس سروده شده اند، چند نمونه موفق دیده میشود.

۳ - قصیده: این قالب در دوره دفاع مقدس رو به افول نهاد؛ زیرا: «از قالب هایی بود که به دلیل مغایرت زیباشناسی آن با روح شتابناک دنیای روز و ذهنیت هنری مخاطبان نوگرای این روزگار، رواج و رونقی نیافت». (روزبه: ۱۳۸۶: ج ۳: ۳۱) «سید حسین حسینی» نیز همانند دیگر شاعران دفاع مقدس از این قالب برای بیان اندیشه های خویش کمتر سود برده است. با این حال، از آنجا که: «روح قصیده و جهت گیری آغازین آن، ستایش بزرگان و قدرتمندان است» (سنگری، ۱۳۸۰: ج ۳: ۱۳۸). در دوره دفاع مقدس هم، مدح و ستایش چهره های شاخص جبهه های نبرد و از جمله رهبر انقلاب، با تکیه بر مبانی فرهنگ اسلامی رواج داشت و اندک سروده هایی نیز که در این قالب توسط شاعران و از جمله: «سید حسن حسینی» سروده شده است رنگ حماسی مشهود است.

۴ - مثنوی: «در حوزه کلاسیک شعری، هیچ قالبی به اندازه مثنوی از تنوع و تعدد موضوعی و آزادی قافیه و آوردن ردیف های متنوع برخوردار نیست». (باقری و محمدی نیکو؛ ۱۳۷۲: ۱۲۳). بلند و طولانی بودن این قالب، آن را بستر مناسبی برای گزارش و روایت لحظات و حوادث دوران هشت ساله جنگ کرده است. «حسینی»، بعضی از بهترین و زیباترین سروده های خود را در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» را در همین قالب مثنوی سروده است.

۵ - چهار پاره: «این قالب را میتوان برزخ شعر کلاسیک و معاصر نامید، پل عبور به سمت تحوّل در ساختار شعری و تا حدی مضمون و درون مایه شعر نیمایی» (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۴۰) ساختار بدیع این قالب و تنوعی که از حیث پرداخت مضمون و انتخاب قافیه و ردیف دارد، آن را مورد توجه شاعر قرار داده است و نمونه های موفقی را از سروده های «سید حسن حسینی» موجب شده است.



٦ - رباعي: این قالب از قالب های شعری احیا شده در دوره دفاع مقدس است. «از ویژگی های عمده این قالب؛ طربناکی، آهنگ دلنشین، کوتاهی و ایجاز، تأثیر گذاری آن، ضرباهنگ تکان دهنده در مصراع چهارم، بهره گیری از عنصر انعطاف پذیری وزن و هماهنگ کردن نوسان وزنی با پیام و درون مایه های آن و... میباشد.» (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۱)

رباعی های «سید حسن حسینی»، دارای ظرافت ها و ظرفیت های شاعرانه، ایهام های زیبا و دل انگیز، تصویر های ماندگار و کشف و شهودهای بی نظیر است. تشبیهات بکر و دست نخورده و استعارات حیرت انگیز که در روزگار زندگی شاعر و شعر آن روز، بسیار جذاب، بدیع و مخاطب پسند بود را میتوان از ویژگی های مهم و تحسین برانگیز رباعی های او در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» دانست. ویژگی های منحصر به فردی که آن ها را از همه رباعی های روزگار شاعر و بلکه تا سال هایی از دهه ۷۰ متمایز و متبارز ساخته است.

مجموعه عاشورایی «گنجشک و جبرئیل» که یکی از موفق ترین مجموعه های عاشورایی در قالب سپید است، صورت کامل همان جریان است که «سید حسن حسینی»، سال ها پیش از آن در سروده های کلاسیک و سنتی خود و از جمله رباعی های شاخص و موفق خود در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» آغاز کرده بود و توانست با برخورداری از فرهنگ عاشورا و بهره برداری از ذوق شاعرانه خویش، سروده هایی جاودان و ماندگار در این مرحله بیافریند. او با الهام از فرهنگ بلند عاشورا، در قالب رباعی و یا گونه ای عادت شکنی و هنجارگریزی محتوایی و ساختاری، همه را به تحسین و شگفتی واداشت.

٧ - دوبیتی: این قالب که مردمی ترین، صمیمی ترین و ساده ترین عواطف و احساسات انسان را با آهنگ دلنشین، طنین مضمون نشسته در آخرین مصراع و لطافت موسیقایی خود به تصویر میکشد، در دوران دفاع مقدس مورد استفاده شاعران قرار گرفت. «سید حسن حسینی» نیز در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» از این قالب برای بیان اندیشه ها، عواطف و احساسات خود سود برده است.

٨ - قالب نیمایی و نو: این قالب نیز در دوره دفاع مقدس با استقبال شاعران مواجه میشود. «در دوران انقلاب اسلامی، شاعران



با این نگاه که شعر نو سرودن به معنای نوعی ابراز علاقه به غرب و بی‌عنایتی به ارزش‌های اسلامی تصور می‌شد» (یا حقی، ۱۳۷۸: ۲۰۶)، چندان به آن توجه نداشتند، ولی شاعران به این قالب نیز روی خوش نشان دادند و در این عرصه طبع آزمایی و هنر‌نمایی کردند. اشعاری که توسط شاعران در این قالب سروده شد، با زبانی روایی و نسبتاً بلند، تصویری از شادی‌ها و ایثار و جانفشانی مردم را به تصویر کشیدند.

بیشترین حجم سروده‌های آیینی و نیز سروده‌های بعدی «سید حسن حسینی» که مربوط به موضوع دفاع مقدس‌اند، در قالب‌های نو و نیمایی و سپید رایج شده‌اند و او در این زمینه بر خلاف تفکر و ذهنیت گذشتگان، به چنان توفیقی دست می‌یابد که برخی از محققان، مجموعه‌هایی چون «گنجشک و جبرئیل» و «از شرابه‌های روسری مادرم» را از موفق‌ترین و بی‌نظیرترین مجموعه‌های شعری معاصر از نظر زبان شعری دانسته‌اند. در حقیقت «حسینی» نخستین سروده‌های انقلابی خویش را نیز در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» در قالب‌های سپید و نیمایی سروده است و همراه با قیصر امین‌پور و سلمان‌هراتی از پیشگامان این جریان ادبی به شمار می‌روند. در مجموع می‌توان گفت که شعرهای آزاد و سپید شاعر در نسبت با اشعاری که در قالب‌های کلاسیک سروده شده‌اند از پختگی و انسجام بیشتر برخوردارند. او در اکثر این گونه‌ها، شعرها، توانسته است میان صورت و محتوا به خوبی ایجاد ارتباط کند و با تغییر و تحول در شکل و ساختار شعر، فضایی مرتبط با مضمون را پدید آورد.

«هایکوواره‌های نروزی» شاعر که به نظر می‌رسد نام « طرح » بر آن‌ها مناسب‌تر باشد، از دیگر قالب‌های شعری است که «حسینی» توانسته است بسیاری از مضامین طنزآلود را در لقای آنها به مخاطب شعرش ارائه دهد. استفاده از قالب «کالیکماتور» در مجموعه «براده‌ها» نیز از دغدغه‌های ذهنی «سید حسن حسینی» است که نشان از موفقیت او دارد.

۳ - ویژگی‌های زبانی شعر «سید حسن حسینی»:

تمامی ویژگی‌های زبانی شعر جنگ و دفاع مقدس را می‌توان در سروده‌های «سید حسن حسینی» نیز دید. سادگی و روانی، صمیمیت و صراحت، پرهیز از تعقیدات و پیچیدگی‌های لفظی و معنوی و... از جمله این ویژگی‌های هستند. بهره‌گیری از تصویرپردازی‌های



شاعرانه، زبان عاطفی به همراهی اندوهی حماسی و اقبال و گرایش به شعر بیدل و سهراب سپهری به ویژه سبک هندی، از دیگر ویژگی های شعر دفاع مقدس و به تبع آن شعر «سید حسن حسینی» است.

زبان شعر او در آغاز جنگ، تند و برانگیزاننده و در میانه، نرم و عمیق تر است. آسان گیری و شتاب زدگی در سرودن اشعار، تأمل های اندک شاعرانه، روی آوری به مفاهیم انتزاعی، عادت زدگی و در عین حال یکنواختی، لحن خطابی، پرشور و تپنده و آرمان گرایانه و تأثیرگذار، به کارگیری واژه های گرم و خونین و اصطلاحات مربوط به جنگ و نبرد و حماسه از ویژگی های اساسی زبان شعر «سید حسن حسینی» در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» است.

زبان شعر او در این مجموعه، زبانی بهنجار، آشنا، استوار و مطابق با زبان معیار است و اگر گریزی هم نسبت به زبان معیار در آن دیده میشود، امری تصنعی و عمدی نیست. زبان شعر او آنگاه که در بستر رودخانه ای از مفاهیم شکوهمند جریان دارد، حماسی و استوار و آنگاه که در آرامش زلال معانی عاطفی و احساسی به حرکت در می آید، نرم و روان است.

میتوان گفت؛ در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» رسالت شاعر، جز انتقال معنی و آرایه پیام به مخاطب نیست و به همین دلیل نیز آرایه ها و آرایش های زبانی که مخاطب شعر را دچار سردرگمی در فهم محتوای شعر کند، کمتر وجود دارد و این موضوع شعر را به مرز شعار نزدیک کرده است. اگر بر اساس نظریه کارکرد زبان ادبی، بخواهیم شعرهای «سید حسن حسینی» را بررسی کنیم، درمی یابیم که زبان اغلب شعرهای او در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» به زبان طبیعی و علمی نزدیک است و آن تعداد هم که از کارکردهای زبان ادبی بهره میگیرد، چندان نو و تازه نیست و به علت تکرار بیش از اندازه در متون مختلف، ذهن مخاطب را برنمی انگیزد. مجازها و آرایه ها و واژه های موجود در زبان او اغلب شناخته شده اند و خواننده در برابر آن ها با پیچیدگی روبرو نمیشود و همین امر، سهولت انتقال معنی به ذهن مخاطب را سبب میشود. شاید به همین جهت است که در شعرهای این مجموعه، کمتر با ابهام و ایهام که برخاسته از نگاه پیچیده انسان به هستی و عناصر موجود در آن است



روبرو می‌شویم و بیشتر کوشش شاعر را در تصویر ماندگی چیزی به چیز دیگرکه ناشی از تماشای ساده و بدون تأمل او به جهان است، مشاهده می‌کنیم. اما در مجموعه های بعدی او، در ادامه مسیر شاعری اش، زبان شعر او دارای کارکردهای متفاوت بلاغی و هنری در مقایسه با زبان روزمره است. همین کارکردها سبب میشود تا کلام او به مرتبه ای والا از هنر شاعری برسد و به تفاوت های عمده ای با زبان شعار دست یابد.

عادت زدایی در حوزه زبان از دیگر ویژگی های مثبت شعر «سید حسن حسینی» است. در حقیقت؛ هنجارگریزی ها و آشنایی زدایی های هنری در شعر او جایگاهی مهم دارد. این موضوع نیز به مفهوم هنری و شاعرانه خویش در سروده های دوره دوم زبانی «سید حسن حسینی» بیشتر به چشم می‌خورد. در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» هنجارگریزی هنری کمتر جایگاهی دارد و به ندرت میتوان در خصوص سروده های آن مجموعه از هنجارگریزی شاعرانه سخن گفت. گاه از یک کلمه کهن در شعر خود استفاده میکند تا کلام او برجسته شود، اما این گونه برجسته سازی ها به زیبایی شعر او یاری نمیرساند. در این مجموعه که گونه ای شرح و گزارش از واقعیت بیرونی است، شعر به زبان مردم و در واقع به زبان طبیعی بسیار نزدیک است. در حوزه واژه های شعر او نیز، جز برخی حس آمیزی های هنری، هنجارگریزی های قابل ملاحظه ای نمی‌بینیم و خود شاعر نیز میکوشد تا از هنجارهای طبیعی زبان در حوزه واژه ها چندان عدول نکند. به همین دلیل خواننده به هنگام خوانش شعرهای این مجموعه، با واژه ها و ترکیبات نامأنوس و جدید یا برخاسته کمتر روبرو میشود و هیچ معنا و مفهوم دشواری به هنگام خواندن، از لحاظ واژه ها در شعر نمی‌بیند. این ویژگی در حوزه نحو زبان این مجموعه نیز دیده می شود. نحو زبان شاعرانه در این کتاب، چندان از نحو طبیعی متفاوت نیست و خواننده بی هیچ مشکلی به معنای جملات آن دست می یابد.

واژه های شعر «سید حسن حسینی» در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» نیز به تناسب موضوع حماسی که در شعر خویش نهفته دارند، نوعی شخصیت زنده و حماسی دارند. در این گونه موارد، کلمات، گویی جان یافته اند و با عبور از حس و عاطفه شاعر، با تقلایی شاعرانه به مخاطب شعر منتقل میشوند. «حسینی»، هیچ



گاه کوشش تصنعی و ساختگی برای در کنار هم نشانیدن کلمات شعر خویش نداشته است.

بی گمان؛ گستردگی واژه ها در «شعر سید حسن حسینی» به دلیل گستردگی حوزه مطالعاتی متنوع و متکثر اوست و به همین دلیل نیز: « به راحتی از میان انبوه واژه ها که در گنجینه مطالعاتی خویش دارد، بهترین واژه ها را برای بیان ادبی خویش برمیگزینند...» (ر.ک محمدی آملی، ۱۳۸۲: ۶۵). البته میتوان از منظرهای دیگر نیز به تقسیم بندی واژه ها در شعر «سید حسن حسینی» پرداخت:

۳ - ویژگی های فکری یا سطح فکری سروده های «سید حسن حسینی»:

« وجود مضامین و تصاویر مشترک و گاه تکراری به جهت فضاها و رویداد های واحد که نشانگر اتحاد ذهنی و احساسات واحد شاعرانه و عمق تأثیر مسائل پیرامون جنگ است؛ از جمله مضامین و اصطلاحاتی چون؛ بیداری، ایستادگی، پرواز مرغ جان، خفاش شوم ظلم، لاله داغدار، رستم های زمانه، مرگ شیرین و سرخ، شهید و شهادت، گرایش به مفاهیم دینی و عاشورایی، ایثار و جانفشانی، دعوت به مبارزه و تشییع و تهییج رزمندگان، تحقیر و تذلیل دشمن، قهرمانان خستگی ناپذیر، توصیف میادین جنگ و جبهه های نبرد، آرمان اصیل و مقدس شهیدان و دفاع از آن، آمیزش شخصیت ها و عناصر اسطوره ای و حماسی یا شخصیت های دینی و مذهبی و تشبیه رزمندگان به آنان، ستایش ویژه امام حسین (ع)؛ سرور و سالار شهیدان به عنوان قهرمان واقعی حماسه عاشورا، رجزگویی اشعار، توجه دادن رزمندگان به مسأله لقاءالله و رضای دوست...» (رستگار، ۱۳۷۰: ۲۷۰). همه و همه از مضامین و موضوعاتی است که در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» به آن ها پرداخته شده و مطرح شده اند. شعر او گاهی زخم است و گاهی خنجر و گاهی دارویی آرام بخش که عرفان را در خود نهفته دارد.

در پاره ای از موارد، توجه بیش از حد به موضوع، در این مجموعه، تا حدودی در ساختار هنری و ادبی شعر اختلال پدید می آورد، چرا که دغدغه اصلی شاعر، طرح مسائل جنگ و پرداختن به آن ها است و چندان عنایتی به تکنیک های بلاغی و هنری شعر ندارد و همین مسأله نیز دلیل اصلی فقر خیال و آراستگی ظاهر شعر در این مجموعه است. درست به همین دلیل، شعر «سید حسن



حسینی» در این مجموعه دارای سبک واحدی نیست و در مجموع سرشار از تنوعات و گوناگونی هاست، «شاعر می کوشد تا از خون گذشتن سواران صبح ظفر را به عنوان بهترین نمونه های حماسه مقاومت و پایداری ملّتی مظلوم در برابر کفر و استکبار جهانی نشان دهد و شرح شکوه و عظمت روح انسانی – الهی را رقم زند و جاودانی سازد و یاد شهدای بزرگواری را که برای حاکمیت توحید و استقرار نظام عدل الهی و پاسداری از آیین خداوند و میراث انبیاء الهی، جان را در کف گرفته و آرام یافته، از خاطر رهروان طریق توحید و باز ماندگان عرصه زندگی و حیات فراموش شود. (کهدویی، ۱۳۷۰: ۴۸۹ – ۴۹۰).

نتیجه گیری

شعر جنگ، عمیق ترین و ناب ترین احساسات شاعرانه و پویاترین و ماندگارترین حرکت های مردمی را در بستری از ایمان و ایثار و گذشت به نمایش گذاشت و فصلی زرّین را در تاریخ کشور ما به روی مردم این مرزوبوم و در نگاهی وسیع تر به روی مردم جهان اسلام گشود و افتخار و غرور ملّی را نصیب آیندگان ساخت.

در مطالعه و بررسی مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل»، مشاهده گردید که شاعر در پرداخت وقایع شتابناک جنگ و در عین حال تأثیرگذار عرصه جنگ و نبرد از لحنی ساده و صمیمی و بی تکلف مدد میگیرد و بدون آن که به اصالت شعرش آسیب برساند، به راحتی و روانی نثر سخن میگوید. آنچه شایسته ذکر است این است که؛ سروده های «سید حسن حسینی» در موضوع جنگ و دفاع مقدّس، در همان مقطع زمانی جنگ محدود و منحصرنمیماند و فعالیت های هنری او در این موضوع در سال های بعد از جنگ و سروده های او که مربوط به این جریان اند، قوی تر و منسجم تر و هنری تر میشوند. و این به دلیل آن است که شاعر، دیگر در بحبوبه جنگ نیست و فرصت اندیشیدن دارد. در حقیقت؛ اگرچه سال های جنگ و دفاع مقدّس، دوران شروع فعالیت های ادبی و هنری «سید حسن حسینی» است اما میتوان سال های پس از جنگ را سال های تکوین شاعری او دانست. به طوری که او سال های بعد با نگرش و اندیشه ای نو و ذهنیتی تقریباً پیچیده و بالاتر از حد معمول و متوسط، با زاویه دید شاعرانه، سروده هایش را از مدار سطحی بودن رها و به سوی شعری شعورمند هدایت میکند.



فرم گرایی تا حدی موفق به گونه ای که اندیشه قربانی نگردد فضا سازی های تصویری دلچسب و تازه، عادت زدایی و آشناگریزی در قلمرو زبان، خلق و ایجاد تصاویر دلنشین و گاه مبهم و پیچیده و گاه ساده، اما به دور از سطحی بودن از ویژگی هایی است که اگرچه در مجموعه «هم صدا با حلق اسماعیل» از آن ها خبری نیست اما در مجموعه های بعدی او به وضوح دیده میشود.

«حسینی» در مجموعه مورد بحث، با رویکرد نوین به قالب های کلاسیک و از جمله غزل و مثنوی و رباعی، نشان داده است که بدون آرایش های لفظی و معنوی پیچیده هم میتوان اشعاری استوار و بی نقص سرود.

توجه فراوان شاعر به اعتقادات و باورهای مذهبی و ملی و دینی با به کارگیری تلمیحات تاریخی و اشارات قرآنی و نیز تلفیق اسطوره های ملی با شخصیت های مذهبی، دیگر ویژگی های شعر «سید حسن حسینی» در این مجموعه است.

در شعر «سید حسن حسینی»، ابتکار عمل مدیون و مرهون واژه ها نیست، بلکه نقش ارزشمند شعر او جان بخشیدن به اشیا و عناصر پیرامون است. او بی آن که گرفتار مضامین و روساخت های کلیشه وار شود، شعری با حال و هوایی تازه ارائه می دهد که دارای صورت و محتوای ویژه و خاصی است.

به هر حال او شاعری است که هم به انقلاب و هم به نسل بعد از انقلاب تعلق دارد. او در هر دو دوره شاعری خویش، روایت زندگی و جنگ و راوی رنج و کار زندگی انسان هایی است که با الگو گرفتن از اسوه های بی مانند تاریخ تشیع، حماسه های شگفت آفریده اند. او این حماسه ها را با زبان سخت حماسی و توفنده و در عین حال ساده و بی تکلف، در سروده هایی که رنگی از، شور و عاطفه دارند، مینشانند.

منابع و مآخذ

1. اکبری، منوچهر، ۱۳۷۳، «نگاهی به شعر انقلاب نور». مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی ۳ تا ۵ دی ماه ۱۳۷۰. تهران: سمت.
2. پور نامداریان، تقی، ۱۳۸۱، سفر در مه، تأملی در شعر احمد شاملو، تهران: انتشارات نگاه.



3. توکلی، حمید، ١٣٧٦، رنگ در تصویر سینمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
4. حسینی، سید حسن، ١٣٨٧، از شرابه های روسی مادرم، تهران : انجمن شاعران ایران، چاپ اول.
5. _____، ١٣٧٥، با گنجشگ و جبرئیل، تهران: نشر افق.
6. _____، ١٣٨٤، سفرنامه گرد باد، تهران ، انجمن شاعران ایران: چاپ دوم.
7. _____، ١٣٨٧، هم صدا با حلق اسماعیل، تهران، انتشارات حوزه هنری: چاپ اول.



مجلة العلوم الأساسية
للعلوم التربوية والنفسية وطرائق التدريس للعلوم الأساسية